درس 43

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
حزقيال
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد چه آموخته‌ايد (حزقيال 2، 18، 33، 34)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: روميان
مرور. دو به دو مرور كنيد. روميان 12:16.

4 تعليم (90 دقيقه)
قنطارها
مَثَل «داستاني است زميني با معنايي آسماني»؛ يا «توضيحي است مبتني بر امور واقعي زندگي به‌منظور تعليم حقيقتي روحاني.» عيسي از وقايع عادي و روزمره زندگي انسان استفاده مي‌كرد تا اسرار ملكوت خدا را روشن سازد و مردم را با واقعيت وضعيتشان و نيازشان به احيا روبرو سازد.
اين مثل را با استفاده از شش رهنمود مربوط به مطالعة مثل‌ها (ر.ش. ضميمه 1) بررسي خواهيم كرد.

قرائت: متي 25:14ـ30

1- درك داستان طبيعيِ مَثَل
مقدمه: مَثَل‌ها با زبان مجازي بيان شده‌اند تا مفهومي روحاني را تشريح كنند. از اين رو، نخست به بررسي واژگان و پيشينة فرهنگي و تاريخي داستان مي‌پردازيم.
بحث: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟
يادداشتها:

الف) مردي اموال خود را به غلامان خود سپرد. او به هر يك از سه غلامش تعداد متفاوتي قنطار داد. قنطار واحدي بود براي اندازه‌گيري وزن، اما واحد پول نيز بود كه در زمانهاي مختلف، ارزشهاي متفاوتي داشت. در زمان مسيح، قنطارِ آتني (يونان) معادل شش هزار دينار بود و يك دينار حقوق روزانة يك سرباز يا كارگر بود. اين بدين معناست كه يك كارگر معمولي بايد حدود 20 سال كار مي‌كرد تا يك قنطار بدست بياورد! اين مرد، تاجر بسيار ثروتمندي بود و مي‌خواست در زمان غيبتش دارايي‌اش چند برابر گردد.
ب) مرد به هر كس بر طبق تواناييش داد. اين شخص مردي دانا بود. چون مي‌دانست كه مهارت و توانايي تجاري غلامانش يكسان نيست. او به اولي 5 قنطار، به دومي 2 قنطار و به سومين نفر يك قنطار داد. به خاطر داشته باشيد كه يك قنطار مبلغ ناچيزي نيست! اين مبلغ معادل 20 سال دستمزد يك كارگر مي‌باشد.

ج) دو غلام پولشان را به‌كار گرفتند. غلام اول و دوم پولشان را به‌كار گرفتند و مبلغ آن دو برابر شد. داستان در مورد چگونگي انجام اين كار چيزي نمي‌گويد. با وجود اين، معني ضمني اين است كه آنها اين كار را به روشهاي شرافتمندانه انجام دادند.

د) غلام سوم پول اربابش را پنهان كرد. او از وظيفه‌اي كه ارباب بر عهده‌اش گذاشته بود، غفلت كرد! از آنجا كه به خانه‌ها براحتي دستبرد زده مي‌شد، گنج را معمولاً در زمين مدفون مي‌كردند (متي 6:19ـ 13:44). علت اينكه اين غلام از وظيفه خود غفلت كرد اين نبود كه خود را در مقايسه با دو غلام ديگر پست و حقير ديد. او به اين دليل از وظيفه خود غفلت نمود كه نسبت به ارباب خود سوءظن و بدگماني غيرعادلانه‌اي داشت.

ه) زماني براي تسويه حساب وجود دارد. ارباب در زمان بازگشت خود با تمام غلامانش تسويه حساب كرد.

2- بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيين عناصر آن
مقدمه: چارچوب شامل «زمينة» مَثَل و «توضيح يا كاربردِ» آن مي‌گردد. زمينة مثل ممكن است بيانگر اين نكته باشد كه مثل به چه مناسبتي گفته شده، يا اينكه شرايط به‌هنگام گفته شدن آن به چه صورت بوده است. زمينه معمولاً قبل از مثل يافت مي‌شود و توضيح يا كاربرد، بعد از مثل.
كشف و بحث: زمينه، داستان، و توضيح يا كاربرد مَثَل چيست؟
يادداشتها:

الف) زمينه مَثَل در متي 24:1 تا 25:13 آمده است. در متي 24 عيسي در مورد علائم بازگشت خود و پايان اين عصر تعليم داد. هيچ كس از ساعت و روز وقوع اين رويداد آگاه نمي‌باشد (متي 24:36). بنابراين هر مسيحي بايد مراقب باشد. كاملاً آماده باشد و هوشيارانه زندگي كند، گويا هر لحظه امكان دارد كه مسيح بيايد (متي 24:42، 45ـ46). اين موضوع زمينه سه مَثَل زير را تشكيل مي‌دهد: مَثَل غلام امين و غلام شرير، مثل ده باكره و مثل قنطارها.
عيسي هر گاه كه ملكوت خدا را به چيزي تشبيه مي‌كند، مي‌خواهد تعليم دهد كه در زمان سلطنت فعلي خدا بر روي زمين چه روي مي‌دهد و در زمان آشكار شدن مرحلة نهايي سلطنت خدا در زمان بازگشت او چه وقايعي قطعاً روي خواهد داد. در روز داوري، وقايع توصيف شده در مَثَل‌ها قطعاً روي خواهد داد. اين بدين معناست كه انسانهايي كه در حال حاضر زندگي مي‌كنند نيز در حوادث بيان شده در مَثَلها خواهند بود. هر مَثَل عيسي مسيح امروزه براي من و شما پيغامي دارد!!! در مَثَل قنطارها، آنچه بين اين مرد و غلامانش به‌هنگام بازگشتش و تسويه حساب اتفاق افتاد، اموري را به تصوير مي‌كشد كه در بازگشت مسيح در داوري نهايي روي خواهد داد.

ب. داستان مثل در متي 25:14ـ30 آمده است.

ج) توضيح يا كاربرد مثل در خود داستان بيان شده است. اين توضيح يا كاربرد مربوط به ملكوت آسمان مي‌باشد، بخصوص آنچه در زمان بازگشت عيسي مسيح روي مي‌دهد. توضيح يا كاربرد بطور خاص در متي 25:ـ 28ـ30 آمده است. عيسي مسيح در زمان بازگشت خود با تمامي انسانها تسويه حساب خواهد نمود.
3- تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل
مقدمه: قصد عيسي اين نبود كه تمامي جزئياتِ مَثَل‌هايش داراي مفهوم روحاني باشند. جزئياتِ مربوط يا اصلي در داستانِ مثل آن دسته از جزئيات هستند كه درس اصلي مثل را استحكام مي‌بخشند. بنابراين، نبايد براي هر يكَ از جزئيات مثل، معناي روحانيِ مستقلي قائل شويم.
كشف و بحث: كداميك از جزئياتِ اين مَثَل واقعاً اصلي يا مربوط مي‌باشند؟
يادداشتها:

الف) ملكوت خدا (متي 25:1 و 14) عبارت است از كل مجموعه انسانها و قلمروهايي كه حاكميت مسيح در آنها پذيرفته مي‌شود. در چنين معنايي، ملكوت خدا چيزي بيش از كليساي قابل رؤيت، يعني مجموع مسيحيانِ مؤمن مي‌باشد. ملكوت خدا يعني پادشاهي و فرمانروايي و حاكميت خدا كه در قلوب انسانها پذيرفته مي‌شود و در زندگي انسانها عمل مي‌كند (لوقا 17:21؛ متي 6:10 و 33). پادشاهي خدا در نجات ايمانداران از آغاز تا به پايان آن متجلي مي‌گردد. اين نجات كه بخشش خداست شامل تمام بركات روحاني و مادي براي روح و بدن مي‌گردد كه نتيجة پذيرش و تصديق و اطاعت از پادشاهي مقتدرانة خداست (مرقس 10:25ـ26؛ يوحنا 3:3ـ8). پادشاهي خدا در تأسيس كليساي خدا كه اجتماع مردمي است كه در قلب و زندگيشان‌شان پادشاهي مقتدرانة خدا را تصديق و اطاعت كرده‌اند، تجلي مي‌يابد (متي 16:18ـ19). پادشاهي خدا در اشاعة انصاف و رحمت و محبت از سوي قوم خدا در اين جهان، تجلي مي‌يابد. و نهايتاً پادشاهي خدا در كيهان بازخريد شدة خدا يعني آسمان جديد و زمين جديد با تمام جلالش در آينده و تحقق نهايي كار خدا در نجات افرادي كه فرا خوانده است، تجلي مي‌يابد (متي 25:34).

ب) سفر مرد. چون توضيح يا كاربرد مَثَل بطور خاص به ملكوت خدا در زمانهاي آخر مي‌پردازد، يعني زماني كه عيسي مسيح با تمامي انسانها تسويه حساب خواهد نمود، سفر مرد نشان‌دهنده دوران قبل از بازگشت عيسي مسيح مي‌باشد. تا زمان بازگشت عيسي مسيح، مردم بايد با تمام آنچه خدا به آنان سپرده، كار كنند. قصد و هدف مسيح رد كردن اين عقيدة شاگردانش بود كه ملكوت خدا قبلاً تأسيس شده است و او به اورشليم رفته تا حكومت موفقي را تأسيس و آغاز كند. اين مثل باعث فروريختن اميد شاگردان براي برپايي پادشاهي‌اي در زمان حال همانند ساير پادشاهي‌ها گرديد (يوحنا 18:36) و آنها را تشويق كرد كه منتظر باشند و با اميد به ملكوت آينده يعني آسمان جديد و زمين جديد، صبورانه كار و كوشش كنند. عيسي به مسيحيان هشدار مي‌دهد كه تنبل و بيكاره نباشند، بلكه مشتاق باشند زيرا مي‌دانند كه زحمتشان در خداوند بيهوده نخواهد بود (اول قرنتيان 15: 58).

ج) مالك و مباشران دارايي‌هايش. قنطارها متعلق به ارباب است و غلامان تنها مباشراني هستند كه ارباب به آنها اعتماد كرده تا از اين قنطارها استفاده كنند و ارزش آنها را چند برابر نماينـد. اين از جزئيـات مربوط است. تنها ارباب مالك است و تمام غلامان مباشر و مسؤول مي‌باشند و بايد به اربابشان حاسـب پس بدهند!

د) مرد به هر يك بحسب استعدادش داد. قنطار نمي‌تواند نماد توانايي طبيعي يا يك عطاي روحاني باشد. زيرا ارباب به هر غلام «بر اساس توانايي طبيعي يا روحاني آنهـا» قنطـار مي‌دهـد (مـتي 25:15)! بنابراين قنطار بايد مظهر فرصتي براي انجام كار براي خداونـد باشـد. اربـاب بـه غلامـان مختلـف مقـادير متفاوتي قنطار داد. اين از جزئيات مربوط است. خدا به افراد مختلـف فرصـت‌هاي مختلفي مي‌دهـد. امـا يك قنطار نه تنها مقدار كمي نيست، بلكه مظهر بيست سال كار سخت اسـت! حـتي چـيزي كـه خـدا بـه كوچكترين انسانها محول مي‌كند، از ديدگاه او مهم و چشمگير است.

ه) دو غلام پول خود را به‌كار گرفتند. آنچه مهم است تعداد قنطارها نيست، بلكه كاري است كه غلامان با آنها انجام دادند! اين از جزئيات مربوط است. در روز داوري نهايي، تعداد فرصت‌هايي كه به هـر شخص داده شده است مهم نيست، بلكه وفاداري و كوشش در به‌كارگيري آنچه به او سپرده شده است، مهم مي‌باشد!

و) غلام سوم پول اربابش را پنهان كرد. او در انجام وظيفهٔ تعيين‌شده‌اش كوتاهي كرد! او مرتكب گناه غفلت يا كوتاهي شد، يعني آنچه ارباش بـه او دسـتور داده بـود، انجـام نـداد. اين از جزئيـات مربـوط است. نه تنها انجام دادن آنچه خدا قدغن نموده، گناه مي‌باشد و مجازات خواهـد شـد، بلكـه انجـام نـدادن آنچه خداوند امر فرموده نيز گناه مي‌باشد و مجازات خواهد شد (متي 25:41ـ45؛ يعقوب 4:17)!

ز) حساب خواستن . حساب خواستن ارباب از غلامانش مطلبي است كه در مَثَلها بارها تكرار شده است. در مَثَلِ بدهكارِ بي‌گذشت (متي 18:23)، مَثَل باغبانهاي ظالم (متي 21:34)، مَثَـل قنطارهـا (مـتي 25:19)، و مَثَلِ ده قَنطار (لوقا 19:15) اين مطلب ديده مي‌شـود. بنـابراين، وظيفـه غلام اين اسـت كـه هميشه روز بازگشت اربابش را به خاطر داشته باشد، هنگامي كه زمان حساب خواستن و تسويه حساب فرا برسد! اين از جزئيات مربوط است.

ح) پاداش يكسان براي امانت‌هاي مختلف. اين از جزئيات مربوط است. چون هر دو غلام در چيز اندك امين بودند، اربابشان آنان را بر چيزهاي بسيار گماشت. هر دو آنچه را بـه كـه بـه ايشـان بـه امـانت سپرده شده بود، دو برابر كرده بودند. بنابراين، هر دو پاداش يكسـان دريـافت كردنـد. ورود بـه خوشـي و شادي خداوند، نماد ضيافت شاد در آسمان مي‌باشد.

ط) مجازات غفلت و كوتاهي. اين از جزئيات مربوط است. غلام شرير و تنبل به سختي تنبيه شد؛ او به ظلمت خارجي انداخته شد، جايي كه گريه و فشار دندان خواهد بود كه مظهر عذاب جهنم است.

ي) اصل مربوط به پاداش و مجازات. يك اصل مهم در ملكوت خدا اين است كه «به هر كه دارد داده شود و افزوني يابد و از آنكه ندارد آنچه دارد نيز گرفته شود» (متي 25:29، لوقا 8: 18، 19:26). اين از جزئيات مربوط است.
اين اصل در وهلهٔ اول وعده مي‌دهد كه به وفاداري و پشتكار پاداش داده خواهد شد. فقـط از طريـق شكوفايي فرصت‌هايي كه خدا به ما براي خدمت به خدا و ملكوتش خدا و انسانها بخشيده اسـت، غـني‌تر مي‌گـرديم (لوقـا 10:29ــ37؛ غلاطيـان 6:10؛ اول تسـالونيكيان 5:15). قطعـاً اين نكتـه در مـورد امـور روحاني صحيح مي‌باشد. بر طبق مرقس 4:24ـ25، هـر كـه كلام خـدا را بخوانـد و مطالعـه كنـد، بركـات بيشتر و بيشتري از آن خواهد گرفت! و بر طبق متي 13:11ــ12 و مـرقس 4:13، هـر كـه قلبش را بـاز كند و كلام خدا را دريافت كند، سي، شصت و حتي صد برابر آنچه دريـافت كـرده ثمـر خواهـد داد. حـالت سكون در امور روحاني غـير ممكن اسـت! شـخص يـا بدسـت مي‌آورد و يـا از دسـت مي‌دهـد، پيشـرفت مي‌كند يا پس‌رفت مي‌نمايد! هـر بركـتي كـه خـدا مي‌دهـد ضـمانتي اسـت بـراي بركـات بيشـتر در آينـده (مقايسه كنيد با يوحنا 1:16)! وقتي شخص با هر آنچه به او سپرده شده كار مي‌كند، فرصت‌هاي او هرگز از دست نخواهد رفت و در عوض بيشتر شده و تأثير و نفوذش قوي‌تر مي‌گردد.
در وهلهٔ دوم، اين اصل هشدار مي‌دهد كه بي ايماني و غفلت مجازات خواهد شد. مسـيحي بـودن بـه اين معناست كه به شما فرصت‌هايي داده شده نه براي اينكه خود را بهبـود بخشـيد بلكـه بـراي اينكـه بـه ارباب و ملكوت او خدمت كنيد. يك مسيحي عضوي جدا شده از بدن مسيح (كليسا) نمي‌باشد. عضوي كه در رُشد بدن دخيل است رشد مي‌كند، اما عضوي كه در چيزي مشاركت ندارد مي‌ميرد!
وقتي شخصي در انجام كاري كه به او محول شده است غفلت بورزد، فرصت‌ها از او گرفته مي‌شـود (هوشع 4:6؛ متي 8: 12؛ 21:42ـ43)!

4- تشخيص پيام اصلي مثل

مقدمه: پيام اصلي مثل را مي‌توان يا در توضيح يا كاربرد مثل يافت، يا از خودِ داستان. از روشي كه خودِ عيسي براي توضيح يا كاربرد مثل به‌كار برد، مي‌توانيم پي ببريم كه مثل را چگونه بايد تفسير كنيم. هر مثل معمولاً فقط يك داستان اصلي يا يك نكتة اصلي دارد. بنابراين، نبايد در پي اين باشيم كه يك حقيقت روحاني از هر يك از جزئيات مثل بيابيم، بلكه بايد به‌دنبال درس اصلي مثل باشيم.
بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟
يادداشتها:
مثل قنطارها در متي 25:14ـ30 در مورد «پاداش در ملكوت خدا» تعليم مي‌دهد.
پيام اصلي مثل اين است: «افراد بايد در استفاده از فرصت‌هايي كه خدا به آنها داده وفادار و امين باشند. خدا به وفاداري و تلاش پاداش مي‌دهد و بي‌وفايي و غفلت را مجازات خواهد نمود!»
«وفاداري» يكي از ويژگيهاي بنيادين ملكوت خداست. شهروندان واقعي ملكوت خدا در مورد فرصت‌هايي كه خدا به آنان بخشيده وفادار و كوشا مي‌باشند. هر شخص بر اساس فرصت‌هايش وظيفه‌اي را كه خدا در زندگي برايش تعيين كرده دريافت مي‌كند. هر كس وظايف زندگي خود را، چه بزرگ باشد چه كوچك، كامل انجام دهد خواهد ديد كه فرصت‌هايش چند برابر مي‌شود و به‌عنوان پاداش، فرصت‌هاي بيشتر و مسؤوليت‌هاي بزرگتري به او محول خواهد شد.
هر شخصي كه در انجام وظايفش كوتاهي كند و فرصت‌هايش را بلااستفاده بگذارد، خواهد ديد كه فرصت‌هايش كاهش مي‌يابد و در نهايت هر آنچه به او به امانت داده شده، از دست خواهد داد.

5- مقايسة مَثَل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتاب‌مقدس
مقدمه: بعضي از مثل‌ها مشابه يكديگرند و قابل مقايسه مي‌باشند. اما حقيقت موجود در تمام مثل‌ها با حقيقتي كه در ساير قسمت‌هاي كتاب‌مقدس تعليم داده شده، يا داراي تشابه است يا تضاد. سعي كنيد مهم‌ترين قسمت‌هاي قابل مقايسه را كه ما را در تفسير مثل ياري مي‌دهند، بيابيد. هميشه تفسير مثل را با تعليم مستقيم و واضح كتاب‌مقدس محك بزنيد.
قرائت:
كشف و بحث: تعليم موجود در اين قسمت‌ها را چگونه مي‌توان با تعليم موجود در مثلِ «قنطارها» مقايسه كرد؟
يادداشتها:

الف) نظارت بر دارايي‌هايمان در زمان حاضر
قرائت: پيدايش 39:2ـ6؛ لوقا 16:2؛ اول قرنتيان 4:2 و 7؛ دوم قرنتيان 5:19ـ20؛ اول پطرس 4:10.
تعليم: اول قرنتيان 4:7 مي‌فرمايد: «زيرا كيست كه تو را برتري داد و چه چيز داري كه نيافتي؟ پس چون يافتي، چرا فخر مي‌كني كه گويا نيافتي؟» كتاب‌مقدس به ما مي‌آموزد كه هر آنچه داريم، مال خداست و خدا آن را به امانت به ما سپرده است. ما تنها ناظران اموال خدا هستيم. در بازگشت مسيح، بايد در مورد هر آنچه او به ما سپرده است، حساب پس دهيم.

ب) نظارت، تنها تا قبل از بازگشت مسيح ممكن است
قرائت: متي 24:9ـ14؛ 25،5 و 19؛ دوم تسالونيكيان 2:2ـ3؛ دوم پطرس 3:4ـ9؛ مكاشفه 20:1ـ3 و 7ـ11.
تعليم: چه مدت طول خواهد كشيد تا عيسي مسيح بازگردد؟ عيسي مسيح از ابتدا مي‌دانست كه زماني نسبتاً طولاني قبل از بازگشت او سپري خواهد شد. قبل از بازگشت مسيح، مي‌بايد وقايع تاريخي بسياري از جمله موعظه انجيل به تمام ملل جهان اتفاق بيفتد. زماني طولاني مي‌گذرد تا داماد بازگردد. بنابراين زمان طولاني قبل از بازگشت ارباب از جزئيات مربوط در كتاب‌مقدس مي‌باشد.

ج) رسيدگي به نظارت ما در داوري نهايي
قرائت: جامعه 12:14؛ متي 25:19 و 35ـ45؛ لوقا 12:47ـ48؛ روميان 2:16؛ دوم قرنتيان 5:10؛ مكاشفه 20:13.
تعليم: در زمان داوري نهايي براي هر شخص چه اتفاقي خواهد افتاد؟ هر كس بايد در مورد آنچه فكر كرده، گفته يا در زندگي خود انجام داده، حساب پس دهد. حتي بايد در مورد آنچه در فكر كردن، گفتن و انجام دادن مورد غفلت قرار داده، حساب پس دهد.

د) خداوند از جايي كه كاشته، درو خواهد كرد
قرائت: خروج 5:7ـ9؛ اول پادشاهان 12:11؛ متي 25:15.
تعليم: آنچه غلام شرير و تنبل در مورد خداوند گفت، يعني اينكه خداوند از جايي كه نكاشته درو خواهد كرد، صحيح نيست! چرا اين نكته كه خدا از جايي كه نكاشته درو خواهد كرد صحيح نمي‌باشد؟ دو قسمت به اين موضوع يعني درو كردن از جايي كه شخص نكاشته است مي‌پردازد و هر دو اشاراتي تاريخي به افراد شرير است. بر طبق خروج 5:7ـ9، فرعون سعي كرد از جايي كه نپاشيده جمع كند. بدون اينكه به يهوديان كاه بدهد، خواست كه به اندازه قبل خشت درست كنند. بر طبق اول پادشاهان 12:11، رحبعام كوشيد از جايي كه نپاشيده، جمع كند. او به مردم يهود گفت: «پدرم براي تنبيه شما از تازيانه استفاده مي‌كرد. ولي من از شلاق خاردار استفاده خواهم كرد.» به هر حال خدا شبيه فرعون شرير يا رحبعام

شرير نيست. خدا از جايي كه نكاشته درو نخواهد كرد! اما مسلماً از جايي كه كاشته درو خواهد كرد! او يقيناً از ما براي چيزهايي كه به ما سپرده، حساب خواهد خواست. بر طبق متي 25:15، خدا مانند اربـابِ مذكور در اين مثل، به هر انساني قنطارهايي (فرصت‌هايي) بر اساس توانايي‌اش مي‌دهـد! زمـاني كـه او وظايف را تعيين مي‌كند، شخصيت و ظرفيت (توانايي) هر شخص را با لطف و رحمت در نظـر مي‌گـيرد. بهر حال، او با تقسيم قنطارهايش، مي‌پاشد و مي‌افشاند! بنابراين حق دارد كه جمع كند و درو نمايد.

ه) بهانه‌هاي انساني براي اجتناب از ناظر بودن
قرائت: متي 7:15ـ23، 22:5، 25:21، 23، 44:45؛ لوقا 13:26ـ27، 14: 18ـ20.
تعليم: افراد شرور و تنبل چه عذرهايي مي‌آورند؟ اغلب مردم بهانه‌هاي مختلفي براي خدا مي‌آورند.
1- بر طبق متي 25:24ـ25، غفلت خادم (غلام) شرور بخاطر اين نبود كه احساس كوچكي مي‌كرد، بلكه به اين دليل بـود كـه شـكاك و بـدگمان بـود! او اربـابش را سـرزنش مي‌كـرد كـه بي‌رحم (خشـن) و غيرمنطقي است. به‌همين تـرتيب، بسـياري از مـردم خـدا را بخـاطر گناهـان خودشـان و غفلت از انجـام وظيفه‌شان سرزنش مي‌كنند.
2- بر طبق لوقا 13:26ـ27، برخي از مردم به‌دروغ ادعا مي‌كنند كه بر روي زمين با مسيح همـراه و همكار بوده‌اند و با او غذا خورده‌اند و به تعليمات او گوش فرا داده‌اند. اما مسـيح بـه آنـان مي‌فرمايـد كـه ايشان را نمي‌شناسد. متي 7:15ـ20 در مورد رابطهٔ شاگردان مسيح با انبيـا و معلمـان دروغين مسـيحي سخن مي‌گويد كه در ميـان ايشـان مي‌باشـند. روزي تـأثير شـريرانه اين مسـيحيان دروغين كـاملاً آشـكار خواهد شد! متي 7:21 در مورد رابطه شاگردان مسيحي با مسيحيان اسمي سخن مي‌گويد كـه در ميـان ايشان بسر مي‌برند. مسيحيان ظاهري با زبان به مسيح اقـرار مي‌كننـد، امـا مسـيحيان واقعي عملاً ارادهٔ خدا را انجام مي‌دهند. متي 7:22ـ23 در مورد رابطه شـاگردان مسـيح بـا معجزه‌گـران دروغينِ مسـيحي سخن مي‌گويد كه در ميان ايشـان مي‌باشـند. اينـان اگرچـه مسـيح را موعظـه مي‌كننـد و قـادر بـه انجـام معجزات هستند اما توسط مسيح فرا خوانده نشده‌اند (و در نتيجه عادل‌شمرده نشده و نجات نيافته‌انـد). آنها احتمالاً مذهبشان را با همكاري قدرت‌هاي شيطاني بجا مي‌آورند.
3- بر طبق متي 25:44ـ45 برخي از مردم مي‌گويند كه وقتي بر روي زمين بودند هرگـز نديدنـد كـه مسيح به كمكشان نياز داشته باشد. اما مسيح خواهد گفت هر كاري را كـه بـراي سـاير مسـيحيان انجـام نداده‌اند براي او نيز انجام نداده‌اند.
4- بر طبق متي 22:5، برخي از مردم خواهند گفت كه فرصتي براي كار خدا نداشته‌اند و با تجارت و كارشان بر روي زمين بسيار مشغول بودند. و بر طبق لوقا 14:ـ 18ـ20 مردم انواع عـذرها و بهانه‌هـا را مي‌آورند تا به پيغام نجات مسيح پاسخ ندهند: يكي خواهـد گفت كـه مـزرعه‌اي خريـده و بايـد بـرود آن را ببيند. ديگري خواهد گفت كه پنج جفت گاو خريده و بايد برود و آنهـا را بيازمايـد. ديگـري خواهـد گفت كـه زني گرفته است و از اين سبب نمي‌تواند بيايد.
بنابراين، مردم شرير و تنبل انواع بهانه را مي‌آورند تا مسيح را پيروي، پرستش يا خدمت نكنند.

و) پاداشِ نظارت وفادارانه
قرائت: متي 25:21، 23؛ دوم تيموتائوس 4: 8.
تعليم: خادمان وفادار و ساعي چگونه پاداش مي‌يابند؟ اهميت مسؤوليت‌هاي آينده‌شان در آسمان جديـد و زمين جديد بسيار بيشتر از مسؤوليت‌هاي فعلي‌شان مي‌باشد كه صادقانه و مشتاقانه بر روي زمين انجام شده است. علاوه بر اين، در آخرت در شادي خدا و شادي ساير مسيحيان سهيم خواهند بود.

6- خلاصهٔ تعاليم اصلي مثل
بحث: تعاليم يا پيامهاي اصلي مثل چيست؟ عيسي مي‌خواهد چه چيزي را بدانيم يا به آن ايمان بياوريم؟ او مي‌خواهد كه ما چه باشيم يا چه بكنيم؟
يادداشتها:

الف) تمام مردم بايد بدانند خدا چگونه است. خدا با مهرباني در روز داوري نهايي به هر مسيحي پاداش خواهد داد. با وجود اين، تمام اين پاداشها بـه اين دليـل كـه مسـيحيان ليـاقت آن را دارنـد يـا آن را بدست آورده‌اند داده نمي‌شود، بلكـه بـه اين دليـل داده مي‌شـود كـه همـه چـيز مبتـني بـر محبت و فيض خداست. بر طبـق افسسـيان 2:10، حـتي كارهـايي كـه مسـيحيان انجـام مي‌دهنـد مبتـني بـر فيض خـدا مي‌باشد.

ب) مسيحيان بايد بدانند كه چگونه بايد باشند. آنچه مهم است اين است كه خدا را صادقانه و با جديت خـدمت نمـاييم: شـهروندان واقعي ملكـوت خـدا نـه تنهـا در مـورد توانايي‌هايشـان، بلكـه در ارتبـاط بـا فرصت‌هايي كه خدا به آنها مي‌بخشد، وفادار و كوشا مي‌باشند. خدا به مـوفقيت يـا نتيجـه كـار مـا پـاداش نمي‌دهد، بلكه به وفاداري و جديت ما. به ضميمه 2 «مثل ده قنطار» رجوع كنيد.

ج) يك اصل مهم در ملكوت خدا اين است كه: «به هر كه دارد داده شود و افزوني يابد و از آنكه ندارد آنچه دارد نيز گرفته شود» (متي 25:29). با غفلت در به‌كارگيري آنچه خدا به ما سپرده، آنچه را كه

از ابتدا به ما سپرده شده نيز از دست خواهيم داد. اما با به‌كارگيري آنچه خدا به ما سپرده در غناي روحاني رشد خواهيم كرد.

5 دعا (8 دقيقه)

دعاي واكنشي

در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.

يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امـروز آموختيـد، بـه حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)

براي جلسه بعد

(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيـد كـه آن را در دفـتر يادداشتشـان رونويسي كنند).

- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه مثل «قنطارها» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از حزقيال 36، 37، 38، 39 بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: آيه جديد كتاب‌مقدس (روميان 12:17) را مورد تعمق قرار دهيد و حفظ كنيد. 5 آيه آخر را هر روز مرور كنيد.
- آمادگي: مطالعة كتاب‌مقدس از روميان 14:1ـ23. از روش «پنج گام» استفاده كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.